

### سال نو بر همه کارگران و زحمتکشان ایران مبارک باد

#### سال نو و سفره خالی کارگران

صفحه ۲

#### سرکوب و هراس سرمایه!

صفحه ۶

#### هشت مارس روز رهایی از نابرابری

صفحه ۷

#### قطعه نامه ۸ مارس در سندج

صفحه ۹

در نخستین روزهای اسفند ۸۷ کارشناسان مرکز آمار ایران به صراحت اعلام کردند - به یمن سی سال حاکمیت اسلامی دولت سرمایه و سرمایه-داران اسلامی - خط فقر از رقم هشتصد هزار تومان گذشته است. به گفته‌ی همین کارشناسان طی ده سال اخیر سالانه ۸/۳ درصد به جمعیت فقیر کشور افزوده شده است. ارقام رسمی مرکز آمار ایران نیز، خط فقر را بدون در نظر گرفتن تهران؛ کم و بیش همین مبلغ (۷۸۰ هزار تومان) در سه ماهه‌ی چهارم سال ۱۳۸۷ ثبت نموده است. بنابر پیش-بینی-های مندرج در همین گزارشات اگر مولفه-هایی همچون: افت شدید درآمدهای نفتی؛ رکود عظیم در بخش-های مختلف صنعتی، افزایش وحشت-ناک نرخ بی-کاری (شما بخوانید بی-کارسازی)؛ در کنار سرایت سیل تبعات بحران اقتصاد جهانی در روند اقتصاد راکد جمهوری اسلامی (بعد از این ج.ا) لحاظ شود، با توجه به تصمیم نهایی دولت در خصوص حذف همه-ی

بقیه در صفحه ۳



#### فقر مطلق، جنایت یا نسل کشی؟

دریغا که فقر چه به آسانی احتضار فضیلت است

احمد شاملو

سهراب صبیح

اگر "غوغائیان عالم پندار" نگارنده را بی-درنگ با رنگ پر لعاب و آب و تاب اتهاماتی از جنس "سندیکالیسم لخت و عور"، "اکنونیسم"؛ "ضد امپریالیسم" "پساتوده-ایسم" و غیره در "دادگاه" بریابی ژدانی خود با حضور هیأت منصفه-یی متشکل از فرماندهان ارشد "گارد آزادی" مرتد اعلام نفرمایند، اجازه می-خواهم در این یادداشت کوتاه چشم-اندازی سیاه - نه مانند "سناریوی سیاه" - و البته واقعی از وضع شبه زنده-گی فرودستان ایران ترسیم کنم.

## سال نو و سفره خالی کارگران

منبع: سایت کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

کارگران در شرایطی به استقبال سال نو میروند که هم زمان با خط فقر اعلام شده از جانب برخی ارگان های دولتی، به مبلغ 850000 تومان، (خبرگزاری ایلنا) حداقل حقوق آنان برای سال 88، مبلغ 263500 تومان اعلام می شود. کارگران و توده های مردم تحت ستم و استثمار جامعه در شرایطی به استقبال سال نو می روند که سفره شان از همیشه خالی تر است و اوضاع سخت و فلاکت بار اقتصادی و بحران های ناشی از نظام نابرابر و فاسد سرمایه داری، بیش از هر وقت دیگر، این طبقه تحت ستم و استثمار را از هستی ساقط می کند و به روز سیاه می نشاند.

در چنین شرایطی فرا رسیدن سال نو برای خانواده های زحمتکش بیش از آنکه شادی بخش باشد نگران کننده است. و طبیعی است که وقتی تامین حداقل معاش برای آنها ممکن نباشد انجام دید و بازدید، خرید لباس و مایحتاج زندگی روزمره و سروساات نوروز چگونه امکان پذیر خواهد بود؟

کارگران را گروه گروه و دسته دسته

اخراج می کنند، از کار بیکار می سازند، تهدید می کنند، به زندان می افکنند و به شلاق جهل و نفرت سرمایه محکوم می نمایند و در یک کلام اوضاع و احوال ناامنی را برای آنان رقم می زنند. در یک چنین شرایطی، سال نو چه معنا و مفهومی جز نگرانی و اضطراب برای کارگران در بر دارد؟

کارگران در شرایطی به استقبال سال نو میروند که همراه با تحویل سال نو، بسیاری از هم طبقه ای های آنان دربند و زنجیر عوامل سرمایه اند.

آری سرمایه داری که در مواقع رونق هیچ حرفی از کارگران به میان نمیآورد و همه ی سود و منافع حاصل از نیروی کار کارگران را انباشت می کند و از آن ها مطابق میلش استفاده می نماید اکنون که با بحران مواجه شده است همه مشکلات و مصائب بحران را نیز متوجه کارگران می کند.

با این همه، استیصال و نومیدی به هیچوجه بر جنبش کارگری ایران راه نیافته است. طبقه کارگر علی رغم همه ی فشارها و تضییقات صاحبان و حاکمان سرمایه، همه جا از حقوق و مطالبات خویش دفاع می کنند و از پیروزی ها، شکست ها و افت و خیزهای مبارزات خویش تجارب گرانهایی به دست می آورند که آنان را بیش از پیش آبدیده می کند و به نوبه خود سبب می شود که کارگران بیش تر از هر زمان دیگر به نقش دوران ساز

خود به مثابه یک طبقه آگاه شوند.

مسئله تشکل یابی کارگران، می رود تا در بسیاری از مراکز کار و تولید، به امر خطیر آنان در مبارزه برای احقاق حقوق این طبقه تبدیل شود و جنبش این طبقه را حتی المقدور آگاهانه تر و متشکل تر از پیش به سوی موفقیت و کامیابی رهنمون شود. در واقع کارگران به تدریج می روند تا یکدیگر را پیدا کنند و خود را از تشتت و پراکندگی برهانند. با گذشت زمان، مبارزات کارگران نیز به تدریج به سطوح بالاتری از خواست ها و مطالبات آنان گام برمی دارد و کارگران نیز در هر گام صفوف خود را منظم تر و منسجم تر می کنند.

مشکلات مالی و معیشتی کارگران در عین حال، می تواند به مانعی بر سر راه مبارزات آنان تبدیل شود. و صاحبان سرمایه نیز همه ی تلاش خود را به کار می گیرند تا با سوء استفاده از این مشکلات و همچنین استفاده از حربه تهدید و سرکوب و زندان هربار به شکلی، در صفوف کارگران تفرقه ایجاد کنند. اما کارگران در کوران مبارزات خویش یاد می گیرند که به نیروی خود متکی باشند و از تفرقه و تشتت بپرهیزند.

در آستانه سال نو، سفره ی کارگران خالی بی رونق تر از همیشه است و فرزندان شان لباسی نو برتن نکرده اند.



Postfach 940166  
60459 Frankfurt  
Germany

bepish@hotmail.fr

# به پیش!

**به پیش!** زیر نظر شورای نویسندگان و ویراستاران منتشر میشود. مسئولیت هر مطلب درج شده بر عهده نویسنده آن است. نظرات جمعی شورا در سرمقاله یا مقالاتی با امضای به پیش! منعکس میگردد. شورا در رد یا پذیرش و نیز در کوتاه کردن و ویرایش نوشته رسیده آزاد است و تصمیمات خود را به اطلاع فرستنده آن میرساند.

## فقر مطلق، جنایت یا نسل کشی؟

### اول

سویسیدهای حامل انرژی و در نتیجه افزایش نرخ تورم از 30 درصد سال 87 به 65 درصد سال 88، خط فقر در خوش بینانه‌ترین برآوردها به یک میلیون و دویست هزار تومان خواهد رسید. در سال 1383، وزارت رفاه دولت **خاتمی** تعداد جمعیت زیر فقر را بالغ بر 10 میلیون نفر دانست و اینک (5 سال بعد) این رقم - باز هم طبق گفته - ی کارشناسان رسمی ج.ا - به 20 میلیون نفر تخمین زده شده است. به عقیده‌ی همین افراد - از جمله حسین راغفر، دبیر شورای هماهنگی کارفرمایان؛ **موسی-الرضا ثروتی** (عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی) و ... - خط فقر در ایران امروز از معیارهای اعلام شده‌ی جهانی فراتر رفته و دقیقاً به مرز گرسنه‌گی رسیده است. در تعاریف عمومی گرسنه به فرد یا خانواری اطلاق گردیده که به هیچ یک از معیارهای پنج‌گانه - ی: سلامت، آموزش، اشتغال، توان - مندسازی و غذا دست‌رسی ندارد. نکته - ی جالب این است که تحلیل‌گران ملل متحد در آخرین بررسی‌های خود (2008) خط فقر را بر اساس دو دلار در روز محاسبه کرده‌اند. حال آن‌که ارزیابی کارشناسان وطنی بر مبنای شاخص‌های سال 2000، یعنی روزی

یک دلار شکل بسته است. به عبارت دیگر با احتساب معیارهای بین‌المللی خط فقر در ایران به دو برابر رقم اعلام شده‌ی کنونی - تا یک میلیون و ششصد هزار تومان سر خواهد کشید. خط فقر را دوباره و از منظری دیگر خواهیم نوشت. (= به این بحث بر می‌گردم)

### دوم

روز شنبه 10/ اسفند 1387، مقامات و مطبوعات رسمی ج.ا گفتند و نوشتند که "بیش از 80 درصد اعضای بازار کار غیر رسمی ایران فقیر مطلق هستند و نسبت به تأمین حداقل نیازهای اساسی خود ناتوانند"

واقعیت این است که بازار کار ایران به موازات پیشبرد طرح "تعدیل اقتصادی" (سیاست ادغام اقتصادی در اقتصاد جهانی)؛ پرپرزدن ج.ا برای عضویت در سازمان تجارت جهانی (WTO)، رویای پیوستن به گات (GATT)؛ رونویسی دیکته‌ی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی (خصوصی‌سازی) و ... به شدت جنبه - ی غیر رسمی به خود گرفته است و به اعتبار آمار دولتی دست‌کم 65 درصد بازار کار ایران غیر رسمی است. در چنین بازار مخفی و آشفته‌یی، کارگران به اصطلاح شاغل به صورت موقت، با قراردادهای کوتاه مدت (دو ماه و بیست و نه روز)، قراردادهای جعلی (به منظور فرار کارفرما از پرداخت حق بیمه و تمدید مهلت قرارداد کارگر با اسامی دیگر)، قراردادهای یک طرفه و فسخ‌پذیر از سوی کارفرما و شرایط

زمانی قرارداد کار کوتاه و سخت سیاه (برده‌گی مزدی) امرار معاش می‌کنند، و تبعاً از بدهی‌ترین امکانات شغلی و زنده‌گی بی‌بهره‌اند. فقدان حداقل حقوق به رسمیت شناخته شده‌یی که به کارگران جهان پیشرفته‌ی صنعتی تعلق می‌گیرد، مانند: بیمه‌ی بی‌کاری؛ بیمه - ی خدمات درمانی؛ صندوق بازنشسته - گی؛ از کار افتاده‌گی؛ بیمه - ی سوانح محل کار؛ مسکن، ایاب و ذهاب، سود کارخانه، افزایش دستمزد متناسب با افزایش نرخ تورم، کاهش ساعت کار و غیره به اضافه‌ی امکان بالفعل هر آینه خطر بی‌کارسازی در مجموع جهمی - ترین شرایط تاریخی دوران سرمایه - داری معاصر را به کارگران ایران تحمیل کرده است.

دستمزد ناچیز و ناپایدار 213 هزار تومان و خط فقر 800 هزار تومانی، زمانی که با تعویق پرداخت همین مزد تحقیر کننده همراه می‌شود، آن‌گاه سخن گفتن از فقر مطلق و گرسنه‌گی را بلاوجه سازد. این دیگر فقر نیست، جنایت است. نسل کشی است.

در چنین اوضاع و احوال فاجعه باری طرح موضوع "دولت سرمایه" - با تاکید بر بافت طبقاتی و ایده‌نولوژی - از اساس بی‌معناست. کفش کهنه و واکس نخورده و زیر بغل پاره‌ی کاپشن **احمدی نژاد**، نماد هر حرکت دماغ‌ژیکی باشد یا نباشد؛ در ایران دولت سرمایه‌داران یا دولت خودمانی خودِ خود بورژوازی شدیدترین استثمار تاریخی را بر فرودستان تحمیل کرده است.



**کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری**

28/12/1387

[www.komitevehamahangi.com](http://www.komitevehamahangi.com)  
komite.hamahangi@gmail.com

ای‌های خود بدهند، اما غمها و شادیهایشان را با هم قسمت می‌کنند. کارگران به فردایی نو و دنیایی نو تعلق دارند. کمیته هماهنگی فرا رسیدن سال نو را به همه‌ی کارگران و زحمتکشان تبریک گفته و با آرزوی فردایی بهتر به استقبال سال جدید می‌رود.

اما به کوری چشم سرمایه‌داران، بذر امید و یکدلی به تدریج در خانواده بزرگ شان شکل می‌گیرد و تخم همدلی و دوستی در میان آحاد این طبقه کاشته می‌شود. کارگران در آستانه سال نو اگر کمتر قادرند عیدی به فرزندان هم طبقه





## سوم

معلوم است که وارد شدن به مباحث ساختاری "فلسفه‌ی فقر" یحتمل پای "فقر فلسفه" را نیز به میان می‌کشد و بنیه‌ی کلمات این کلام چنین باری را - فی‌الحال - بر نمی‌تابد. زمینه‌های این مقوله چنان وسیع و پر دامنه است که ما را به سال‌ها پیش از نظریه‌پردازی‌های علمی مارکس و انگلس عقب می‌راند نمونه را - در سنت‌های تاریخی غیر مارکسیستی - **توماس پین** در سال 1791 کتاب هیجان‌انگیز "حقوق بشر" را نوشت و به صراحت مدعی شد که "علت فاعلی فقر ناتوانی و اغتشاش نظام اجتماعی موجود است و گناه را نباید به گردن افراد و به ویژه فقرا انداخت". **پین** به مالیات‌های غیر مستقیم تاخت و آن‌را باعث تعمیق فقر دانست .... در نتیجه‌ی فشار طبقات حاکم (دولت پیت)، **توماس پین** را به دلیل توطئه علیه امنیت ملی!! و خرابکاری؟ غیاباً محاکمه و به مرگ محکوم کرد و کتاب او را در شمار آثار ضاله قرارداد!! در سال 1793 **ویلیام گودوین** در کتاب "عدالت اجتماعی" به طرز شگفت‌انگیزی ساختار اقتصاد سیاسی انگلستان را به چالش کشید و به روشنی طبقه‌ی حاکم (دولت) را علت اصلی فقر دانست. به نظر **گودوین** انحصار و توزیع ناعادلانه‌ی ثروت مهم‌ترین عامل سقوط جوامع محسوب می‌شد و انحصاری بودن دارایی، قدرت تنظیم زنده‌گی را مطابق مطالبات و توانایی دولت‌مندان از طبقه‌ی نادر می‌گرفت. نکته‌ی جالب این‌که، **گودوین** - پیش از **مارکس** - به نفی مالکیت خصوصی پرداخت و عامل اصلی فقر و ناهنجاری‌ها و بی‌عدالتی‌های اجتماعی را متوجه مالکیت خصوصی ساخت و .... نگفته معلوم است که این تحلیل فرسنگ‌ها از

سوسیالیسم علمی **مارکس** و **انگلس** - که فقط شش هفت دهه‌ی بعد تدوین شد - دور است و اشاره به آن‌ها، حتا بدون ورود به سوسیالیسم تخیلی پیشامارکسی، بدین سبب و با این فرض صورت بست که رفقای ما، به هر حال با دستگاه **تنوریک مارکس** آشنا هستند.

## چهارم

در یک نمای کلی می‌توان گفت که خط فقر از اجزای اصلی محاسبات مربوط به اندازه‌گیری فقر به شمار می‌رود. چنین محاسبه‌یی از ابعاد گوناگون مانند نرخ فقر (head count ratio) که بر مبنای شمارش درصد افراد زیر خط فقر را اندازه می‌گیرد تا گونه‌های پیچیده‌تری مانند شکاف فقر (Poverty gap) تشکیل می‌شود. همچنین به منظور تعیین میزان فقر (روش‌های اندازه‌گیری) به شیوه‌های مختلف، از جمله روش نیازهای اساسی (basic needs) می‌توان توسل جست. در چنین روشی - که فقط در کشورهای جهان سوم به کار می‌رود و معیارهای محاسبه بر مبنای کالاها و خدمات اساسی و ضروری برای زنده ماندن است - در واقع - آن‌چه که معلوم می‌شود خط فقر مطلق (absolute poverty line) است. به عبارت روشن‌تر اندازه‌گیری خط فقر در ایران و رسیدن به مبلغ 800 هزار تومان بر همین پایه صورت بسته است. به سخن دیگر آن‌چه ملاک بررسی‌های کارشناسان بانک مرکزی و مرکز آمار ج.ا.ق را قرار گرفته، شاخص‌های نامشخصی است که در بهترین حالت حداقل امکانات بسیار معمولی برای نمردن (همان گرسنه‌گی) را لحاظ کرده است. در این محاسبات ابعاد گسترده‌یی از فقر که در ذیل به چند نمونه‌ی آن اشاره می‌شود به هیچ وجه حساب نشده است:

- فقر فرهنگی (cultural po.) به مفهوم بی‌بهره‌گی انسان‌ها از کتاب،

روزنامه، سینما، گردش، سرگرمی؛ تفریح و ....

- فقر غیر اقتصادی (Non - Economic po.)، به معنای کلیه‌ی نیازهای غیرمادی انسان که بخشی از آن‌ها فرهنگی است. (به قول **اریک فروم** تمهیدات لازم برای تمرین عشق ورزیدن)

- فقر ذهنی (subjective po.) به مثابه‌ی همه‌ی مشکلات جسمی و روانی که مولود عقب‌مانده‌گی ذهنی و اُفت بهره‌ی هوشی است.

- فقر جزئی (Partia po.) شگفت آن‌که در این تقسیم‌بندی نیازهای اولیه‌ی زنده‌گی از قبیل مسکن متناسب، اتوموبیل، اینترنت، پارکینگ، مُبل، ماشین لباسشویی، برق، گاز و ... رده‌بندی شده است. پنداری انسان تحت حاکمیت ج.ا. غارنشین است.

صرف نظر از چنین تقسیم‌بندی‌هایی که چندان پایه و مایه‌ی علمی ندارد، قدر مسلم این است که در جامعه‌ی کنونی ایران چهره‌ی کربیه فقر به صورت فقر همیشه‌گی (Permanent Po.)، فقر فراگیر (Mass Po.)، فقر کلی (Total Po.)، فقر فزاینده (Increasing Po.) و غیره در چارچوب کلی فقر مطلق (Absolute Po.) به وضوح قابل مشاهده است.

در بررسی‌های متفرقه‌یی که از سوی پژوهشگران غیردولتی به عمل آمده گفته شده است که شاخص‌های ذیل به ترتیب و با درصدهای نه چندان متغیر در کل کشور عوامل و زیرساخت‌های اصلی فقر را تشکیل داده است.

الف. خوراک (نان، برنج، حبوب، قند و شکر، روغن، گوشت، تخم‌مرغ، شیر، سبزی، میوه) در حدود 35 درصد

ب. مسکن، 30 درصد

پ. حمل و نقل 13 درصد

ت. بهداشت درمان 8 درصد

ث. لوازم و وسایل خانه 7 درصد





ج. پوشاک 4 درصد

چ. آموزش 3 درصد

نکته-ی بسیار مهم در آمار پیش-گفته نقش اصلی غذا و مسکن در ماجرای سوق دادن بیش از 20 میلیون ایرانی به اعماق دره-ی فقر است. با در نظر گرفتن مبلغ 213 هزار تومان به عنوان پایه-ی دستمزد کارگران - اگر پرداخت آن به تعویق نیفتد - و با اذعان به این-که متوسط اجاره بها برای یک خانوار چهار نفری 200 هزار تومان برآورد شده است؛ تصور جای-گاه مسکن در متن مطالبات فرودستان ایران چندان دشوار نیست. مضاف به این-که از سال-ها پیش چند قلم ماده-ی غذایی مانند گوشت (قرمز، سفید، ماهی)، لبنیات، سبزی و میوه تحقیقاً از سفره-ی مردم بیرون رفته است.

### پنجم

بی-گفت-وگو کارگران، بخش عمده-یی از ارتش میلیونی جبهه-ی فقر را تشکیل می-دهند. فراتر از این-ها؛ به گمان من - صرف نظر از یک لایه-ی باریک موسوم به اریستوکراسی کارگری - کل طبقه-ی کارگر ایران، اعضای اصلی، دائمی و تغییرناپذیر این جبهه به شمار می-رود. و باهوده است اگر گفته شود. یک پای ثابت کش-مکش طبقاتی در حوزه-ی داشتن

نداشتن؛ فقر - غنا، کار - سرمایه توده-ی کارگران هستند. این موضوع نه چندان پیچیده را، **ابوالقاسم لاهوتی و فرخی-یزدی** (شاعران سوسیالیستی که با بلشویک-ها نیز در ارتباط بودند و به انقلاب کارگری 1917 سمپاتی داشتند) به ساده-گی فهمیده-اند:

**توده- را با جنگ صنفی آشنا باید نمود  
کش-مکش را بر سر**

**فقر و غنا باید نمود**

می-توان چشم-ها را بست و "جنگ

صنفی" و مبارزه "بر سر فقر و غنا" را به اتهام "سندیکالیسم لخت و عور" در "دادگاه لیبرالیسم" به چند ضربه شلاق محکوم کرد. درست مانند حکمی که برای رفقایمان: **سوسن رازانی و شیوا خیرآبادی** در سندج صادر و اجرا شده است.

می-توان با استناد به یک سنت شبه تئوریک هشت نه ساله کل طبقه-ی کارگر و مطالبات صنفی سیاسی-اش را نادیده گرفت و دن کیشوت وار با اسلحه-ی چوبی یک فرقه-ی اینترنتی به جنگ آسیاب بادی-های قدرت سیاسی رفت .... می-توان پس از شکسته شدن این توهم (حزب و قدرت سیاسی)، و باختن نتیجه-ی قماری که هر 4 آس آن در اختیار یک گزارش صادره از سوی سازمان-های امنیتی آمریکا - در خصوص پرونده-ی هسته-یی - بوده ناگهان تغییر جهت داد و به قول رفیق-مان **رضا مقدم** پس از **رضا پهلوی و داریوش همایون** - که به مناسبت 1 مه پیام تبریک برای کارگران فرستاده-اند - در سال 2009 (یعنی 123 سال پس از 1 مه شیکاگو) اولین "سمینار جنبش کارگری" برگزار کرد ...

می-توان پس از برگشت خوردن چک-های "مرکز هم-بستگی" و بی-اعتبار شدن همه-ی اعتبار شعارهای "سرنگونی" و "شرایط انقلابی" و کلید نخوردن کلیه-ی "سناریوهای سیاه" یک هو لیدر و میدر و رئیس-جمهور و کابینه-ی موقت را کنار گذاشت و کُت-ها را در آورد و آستین-ها را بالا زد و هیاهوکنان از ته صف به خط مقدم جهید و چپ-تر از هر اولترا چپی به مصادره-ی مبارزات طبقه-ی کارگر پرداخت و کارگران و روشن-فکران و دانشجویان فعال عرصه-های مختلف جنبش کارگری را به اتهام مبارزه-ی صنفی (مثلاً سندیکالیستی) و اتحادیه-یی هو کرد و مثل خروس بی-محل پرچم آوانتوریسم "مجمع عمومی" را بدون در

نظر گرفتن شرایط مادی مبارزه-ی طبقاتی از قسمت "گود استخر" بیرون کشید ....

به قول زنده-یاد فروغ:

"می-توان همچون عروسک-های کوکی بود / با دو چشم شیشه-یی دنیای خود را دید..."

اما ..... طبقه-ی کارگر ایران بهتر و روشن-تر از هر زمان دیگری جنس چپ مریخی را می-شناسد و مرحله به مرحله صف خود را از هوچیان دیر آمده-یی که با عجله و شتاب و "دخال-گری" می-خواهند از همه جلو بزنند، جدا می-کند. طبقه-ی کارگر و پیشروان سوسیالیسم کارگری سیاست اراده-گرایی را در جریان جنبش دانشجویی (ضربه-ی 13 آذر 1386) به شکلی کنکرت دیده-اند و حاضر نیستند به خاطر منافع فوری چند تن از عشایر فلان فرقه دست به خودکشی بزنند. فرقه-یی که هنوز چایی اولین سمینار کارگری-اش دم نکشیده؛ شلنگ تخته زنان برای مبارزان کارگری - از اهواز و هفت تپه تا اصفهان و سندج و تهران - بخش-نامه صادر می-کند با هر درجه-یی از فرصت-طلبی "موقع شناسانه" نیز نمی-تواند خود را داخل صفوف طبقه-ی کارگر جا بزند. در این جا بحث بر سر ماهیت سندیکا، اتحادیه، مجمع عمومی، شورا یا هر تشکل مستقل دیگری نیست. بحث بر سر این است که عده-یی که تا دیروز با افشای دوم خردادی-ها عملاً به پلاتفرم رفرمیسم و لیبرالیسم مشروطیت می-بخشیدند و کم-ترین اعتباری برای مبارزات تشکل-های مستقل کارگری قایل نبودند امروز در نقش دایه-ی مهربان-تر از مادر ظاهر شده و قصد بزرگ کردن و ارشاد این نوزاد را دارند. برای این-که وصف حال آنان را بدانید و غبار خسته-گی مطالعه-ی این نوشته را نیز بتکانید به این حکایت گوش بسپارید:





## سرکوب و هراس سرمایه!

منبع: سایت کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

### بهزاد سهرابی

با شروع و تداوم مبارزات کارگران و ایستادگی در مقابل بی حقوقی های موجود، و نیز فشارهای لجام گسیخته سرمایه داری در استثمار و هجوم به زندگی و معیشت کارگران، ما شاهد اعتراضات گسترده ای از طرف کارگران بوده و هستیم.

فعالین و پیشروان طبقه کارگر به مثابه بخش جدائی ناپذیر این جنبش، همگام و همسو با کارگران در راستای سازماندهی این اعتراضات، نقش تاریخی و طبقاتی خود را در حد توان و با توجه به حضور کارگران به اجرا گذاشته اند.

اعتصاب، تجمع، اعتراض و ... در جواب به مناسبات ظالمانه و تمامی مناسبات کنونی، و خواست ایجاد تشکل های طبقاتی کارگری، امری روتین و همیشگی پیشروان کارگری در این عرصه از پیکار بوده است.

ایجاد تشکل کارگران سندیکای شرکت واحد به نیرو و حمایت و پشتیبانی کارگران آن مرکز در راستای ایجاد تشکل مربوطه و پافشاری به این حقانیت که "تشکل حق مسلم ماست" اولین گام موثر در پیشروی جنبش کارگری در راستای ایجاد تشکل های کارگری، با اتکا به نیروی طبقاتی را عملی ساخت.

اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه، در

چپه-یی در آغوش دایه-

ی بد هییتی زار می-زد

و زن به او می-گفت "نترس جانم من این جایم!" ظریفی از راه رسید و به دایه-ی مهربان-تر از مادر (شما بخوانید چپ مریخی) فهماند که: "خوشگل جان!



دفاع از مطالبات خود و بر خورد های سرکوب گرایانه پلیس در مقابل اعتراضات آنان، پیشروان و فعالین کارگری نیشکر هفت تپه را مصمم نمود که تنها راه پیشروی در آینده در دست یابی به مطالبات به حق خود، با ایجاد تشکل کارگری و استحکام و همبستگی طبقاتی کارگران امکان پذیر می باشد و لاغیر.

این امر با استفاده از تجارب و دستاورد های تاکنونی جنبش کارگری در دستور کار قرار گرفته شده و کارگران پر شور نیشکر هفت تپه توانستند با توجه به موانع موجود، این مهم را به انجام برسانند.

این امر خطیر تحقق یافت و با اعلام "سند یکای کارگران نیشکر هفت تپه" یک بار دیگر جنبش کارگری ایران، جان تازه ای گرفت و باور به نیروی طبقاتی را، حیاتی دیگر بخشید.

ایجاد این تشکل، نه امر ساده ای بوده و نه ادامه روند این تشکل می تواند، بدون موانع جدی و با توجه به شرایط موجود به روند کار خود ادامه دهد. چرا که، با شروع اولین اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه، دستگیری نمایندگان و پیشروان و فعالین آنان تا به امروز همچنان ادامه داشته است.

بازداشت نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه، دادگاهی و محاکمه آنان به دلیل دفاع از خواست و منافع طبقاتی، تنها و تنها مهر و نشان از آن دارد که تمامی اعوان و انصار سود پرست سرمایه داری، از اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران، از پیشروی این جنبش در تمامی سطوح مختلف آن، از آگاهی

اشکال کار این-جاست که طفلک از خودت می-ترسد دست از سرش بردار تا مادرش بیاید .....!"  
رفقای دخالت-گر! تصدقتان بروم، شما به همان "حزب و قدرت سیاسی"تان بچسبید و کاری به جنبش اجتماعی طبقه-

طبقاتی کارگران، شبی را خواب می بینند که این شبی تمامی پایه های آنان را به لرزه در خواهد آورد.

دستگیری، زندان، شلاق، ارباب، تهدید، اخراج و تعقیب فعالین کارگری اشکال مختلفی است که حامیان سرمایه در دفاع از منافع سود پرستانه خود، هر روزه در ابعاد گسترده ای، به آن دامن زده و بی شک تا آن هنگام که کارگران در ابعاد وسیعی، به نیرو و توان واقعی خود باور نداشته باشند، این گونه فشار های پلیسی در صورت گوناگون آن روی خواهد داد.

با اتحاد و همبستگی و حمایت های همه جانبه کارگران در راستای ایجاد تشکل های خود ساخته و رادیکال کارگری است که می توانیم این دوره گزار را پشت سر نهاده تا جنبش کارگری بتواند فاز نوینی از مبارزات طبقاتی را پیش رو داشته باشد.

امروز طبقه کارگر برای دست یابی به خواست و مطالبات خود باید با ارزیابی دقیق از مبارزه و دست آورد های تا کنونی، نقشه عمل های بعدی را با دقت و پختگی، مد نظر داشته باشد تا در هر شرایط با مکانیزم های لازم گام های بعدی را بردارد.

پس برای ایجاد و تثبیت حق تشکل، باید از فعالین و نمایندگان کارگری با تمام توان دفاع و به دستگیری این پیشروان کارگری اعتراض و آزادی فوری آنان را خواستار شد.

### زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی!

اسفند 87

ی کارگر نداشته باشید. مبارزاتی که حقانیت این جنبش را حتا به سلطنت-طلبان - و به شما نیز - تحمیل کرده-اند فراگرد استمرار پیکار و کار طبقاتی را خوب بلدند. \*

## هشت مارس روز رهایی از نابرابری

منبع سایت کمیته ی هماهنگی برای  
کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

### بهنام قهرمانی

با شروع انقلاب صنعتی و اوج گیری نظام و مناسبات سرمایه داری ، صاحبان سرمایه هر چه بیشتر افسار آز و طمع خود را به دست بازار کور سرمایه داری سپردند و در این میان تنها طبقات زحمتکش و پایین جامعه بودند که قربانیان اصلی این مناسبات نابرابر و توحش مدرن می شدند . برقراری نظام اقتصادی لسه فر (عدم دخالت دولت در اقتصاد ) شرایط را کاملاً به نفع سرمایه داران مهیا ساخته بود به طوری که آنها شرایط را مطابق میل خود تنظیم و تدوین می نمودند به همین دلیل مصائب و مشکلات فراوانی برای طبقات زحمتکش جامعه که زنان نیز بخش مهمی از آن محسوب می شدند به وجود آمد از جمله می توان به مشکلات مربوط به میزان ساعات کاری ، پایین بودن دستمزدها بیکاریهای مقطعی و نیز ساختاری ، اسفناک بودن وضعیت کاری زنان و کودکان ، بخرانی بودن شرایط محیط زیست و کار مردان و زنان کارگر و.... اشاره نمود .

کودکان و زنان باید پا به پای مردان کارگر کار می کردند اما در عوض باید به دستمزد کمتری از مردان قناعت می نمودند بنابراین در چنین شرایطی کارفرمایان به استخدام زنان و کودکان تمایل بیشتری نشان می دادند و شاید یکی دیگر از دلایل مهم در به کار گماردن آنان کنترل و نظارت راحت تر ( از لحاظ روان شناختی و فیزیکی ) بر آنان بود . در این میان استثمار زنان استثمار مضاعف بود آنان هم در

کار، خواهان کنار زدن روابط مردسالارانه در محیط های خانوادگی خود شدند .

زنان در آن مقطع همچنان که خواهان حقوق اجتماعی خود مانند حق طلاق بودند برای حقوق اقتصادی خود نیز مبارزه می کردند . مثلاً زنان خواهان ایجاد مهد کودک ها برای کودکان خود در کارگاهها و ایجاد سازمان آموزش شغلی شدند . همچنین مثلاً زنان در سال 1812 در انگلستان در شورشهایی که برای تثبیت قیمت گندم انجام گرفت نقش فعال داشتند ، حضور زنان در جنبش چارتیست ها هم بسیار پررنگ نشان می داد آنها در سازمان دادن سندیکاهای بزرگ انگلیس حتی توانستند نقش رهبری را نیز به عهده بگیرند .

در آمریکا نیز زنان برای اولین بار توانستند در نشریات خودشان راجع به مدت زمان کار و نیز تجاوزاتی که در محیط کار آنها را تهدید می کرد مطالبی انتشار دهند.

با ظهور و اوج گرفتن سوسیالیسم انقلابی که توسط مارکس و انگلس رهبری می شد جنبش اعتراضی زنان هرچه بیشتر به جنبش کارگری نزدیک شد زیرا مارکس به درستی معتقد بود که امکان برابری و آزادی واقعی زنان در جامعه نابرابر سرمایه داری امکان پذیر نمی باشد . مارکس و انگلس در کنگره های انترناسیونال اول به شدت از حقوق سیاسی و اقتصادی زنان در مقابل نظریات سوسیالیست های تخیلی دفاع می کردند و همین مسئله ثابت می نماید که مارکس بر این نظر نبود که زنان باید تا روز قطعی پیروزی پرولتاریا متظر مانده و در این نظام برای احقاق حقوق خود مبارزه نمایند آنان (زنان) باید مبارزه خاص خود را به پیش ببرند .

زنان حتی زمانی که در درون خود

محیط های کاری از طرف سرمایه داران و هم در محیط زیست خود یعنی خانواده از طرف سیستم مردسالاری مورد بهره کشی قرار می گرفتند . زنان عملاً در تاروپود استثمار طبقاتی و مردسالارانه گرفتار آمده بودند . آنها در دو جبهه برای سرمایه داری در حال ایجاد سود و انباشت سرمایه بودند . در محیط کار با انجام کار برابر با مردان عملاً از دستمزد کمتری بهره می بردند و میزان ارزش افزوده آنها از مردان کارگر بیشتر بود و در محیط زیست با کار خانگی خود نیروی کار مردان و کودکان خود را بدون هیچ گونه دستمزدی برای بازتولید بیشتر سود و انباشت سرمایه داری فراهم می نمودند چیزی که تا به اکنون نیز در پیشرفته ترین نظام های سرمایه داری باقی مانده است و آندره میشل عنوان « انباشت پایه » را به آن داده است . « در این شرایط ایدئولوژی زنان خانه دار به اوج خود می رسد زیرا همه طبقات جامعه از آن بهره می برند : کارفرما که به آن به عنوان ذخیره نیروی کار می نگرد ( کما اینکه در دوران جنگهای بینالمللی شاهد آن بودیم – نگارنده) خرده مالکین که در آن یک نیروی کار مجانی به شکل کمک خانگی می یابند و کارگران که از رقابت واهمه دارند .» ( میشل :1992)

همچنانکه مناسبات وحشیانه سرمایه داری طبقه کارگر را بالاجبار در درون تشکلات صنفی و طبقاتی خود متحد ساخت و از این طریق توانستند نظام سرمایه را با نیروی متحد خود در بسیاری از زمینه ها به عقب براند و فضای سیاسی جامعه را با مبارزه پیگیر خود به سمت دموکراتیزه شدن هدایت نماید در این میان زنان نیز دوشادوش این طبقه و به عنوان جزئی از آن مبارزه خود را برای احقاق حقوق مسلم خود شروع نمودند و در کنار خواسته های صنفی و سیاسی خود در محیط





سندیکاها گرایشات مرد سالارانه جلوی فعالیت آنها را سد می نمود سازمان های خاص خود را در دل این سندیکاها می نمودند (1850) بالاخره مادر سال 1857 با مبارزات کارگران زن در کارخانجات شیکاگو روبرو هستیم که نقطه عطف بسیار بزرگی در تاریخ جنبش زنان و نیز جنبش کارگری محسوب می شود در این تاریخ (8 مارس 1857) زنان کارگر شیکاگو برای احقاق حقوق خود از جمله کاهش ساعات کاری به 10 ساعت در روز، دستمزدهای عادلانه تر و برابر با مردان و نیز داشتن حق رای به خیابانها می آیند اما در مقابل با یورش گسترده نیروهای سرکوب سرمایه مواجه می شوند و چندین نفر در این یورش جان خود را از دست می دهند. و این تجربه بزرگی برای زنان بود که آنها با وجود نظام طبقاتی و سرکوبگر سرمایه نمی توانند خود را از قید و بندهای نظام مردسالار برهانند.

فعالیت سیاسی زنان حتی به اینجا ختم نمی شود زنان در کمون پاریس هم فعالانه در «نو آوریهای اجتماعی و مقاومت در برابر گروههای تی پر مشارکت داشتند... به تحریک الیزابت دمیتریف دوست مارکس، بخش زنان انترناسیونال ایجاد گردید که هدف آن سازمان بخشیدن به کار زنان و سپس جمع آوری سرمایه برای خرید اسلحه و توپ بود» (همان منبع: 87) همچنین آنها در صدد تاسیس مدارس برای آموزش دختران برآمدند.

در سال 1904 نیز دو سازمان بزرگ زنان در آمریکا با عنوان (آی سی وی،

آی ای وی) تاسیس شدند که برای جلوگیری از جنگ و دفاع از حقوق زنان کارگر در رابطه با کمک هزینه خانوادگی، برابری شرایط کار برای زنان و مردان، دفاع از کودکان نامشروع و... مبارزه می کردند. سرانجام پس از سالها مبارزه پیگیر توسط زنان و نیم قرن بعد از کشتار زنان در شیکاگو ثمره مبارزات آنها در به رسمیت شناختن روز 8 مارس هر سال به عنوان روز زن با پیگیریهای کلارا زتکین در انترناسیونال دوم به بار نشست. (1911) پس از آن هر ساله مراسمی باشکوه در کشور های اروپایی و آمریکایی (علی رغم مخلفت دول سرمایه داری با این امر) حول خواسته هایی همچون حق رای زنان، حق آموزش برابر و رایگان برای زنان، دستمزد برابر با مردان، از میان رفتن تبعیض شغلی و... بر پا گردیده است. اما به رسمیت شناختن این روز تنها در سال 1977 از سوی سازمان ملل (این دستگاه سرمایه داری) و بعد از مبارزات فراوان زنان و کارگران سوسیالیست اتفاق افتاد.

اما علی رغم مبارزات پیگیر و تاکنونی زنان برای رفع ستم جنسی و نابودی سیستم مردسالارانه در نظام های طبقاتی، هنوز آنان تنها موفق به تحمیل بعضی از خواسته های خود شده اند مطالباتی مانند حق طلاق، حق حضانت کودکان (در برخی جوامع)، داشتن حق رای و عضویت در احزاب و سازمانهای سیاسی و... اما مسئله اصلی یعنی ماتریال و زمینه مادی نظام مردسالاری که همانا وجود یک نظام نابرابر طبقاتی (سرمایه داری) است بر جای خود باقی است.

تجربه تاریخی نشان داده است که زیر دست شدن زنان در جامعه زمانی به وقوع پیوسته است که مالکیت خصوصی در جوامع ابتدایی بشر شکل گرفت و از آن تاریخ به بعد نظام طبقاتی در مقاطع مختلف تاریخی و بنا به شرایط تاریخی هر جامعه از طرق مختلف از جمله مذهب و سنتهای خرافی و نیز از طریق ایدئولوژیهای مختلف به سرکوب زنان پرداخته است. بنابراین این رهایی زنان ممکن نیست جز از طریق رهایی کامل از قید و بند های نظام طبقاتی و نابرابر سرمایه داری و برپایی جامعه ای آزاد و برابر که در آن دیگر سرنوشت انسانها را جنسیت و یا نیروهای کور بازار تعیین نمی نماید. و این تنها امر یک طبقه کارگر آگاه و متحد است و جنبش زنان نیز در اتحاد با این طبقه است که می تواند خود را به تمامی از استثمار طبقاتی و جنسی برهاند.

جنبش زنان در ایران بایستی مطالبات رفاهی کنونی خود را به چشم انداز نهایی خود یعنی مبارزه برای رفع کامل هر گونه استثمار پیوند بزند و در این راه ناهموار می تواند متحد اصلی اش یعنی طبقه کارگر را با خود داشته باشد. پیش شرط اصلی برای این اتحاد و پیش رفت، متشکل شدن آنها حول مطالباتشان می باشد. این جنبش نیز مانند جنبش کارگری باید با تشکلهای واقعی و با نیروی اصلی خود پا به میدان مبارزه بگذارد و این تنها راه برای رهایی کامل از نظام سرکوبگر سرمایه است.\*

**زنده باد جنبش رهایی زنان**

**زنده باد 8 مارس**

مارس 2009

**انقلاب در گرو به میدان آمدن  
طبقه کارگر است**



## قطعنامه برگزار کنندگان ۸ مارس ۲۰۰۹ سندج

### ۸ مارس گرامی باد

امسال نیز زنان و مردان، سوسیالیست، آزادیخواه و خواهان یک جامعه بدور از استثمار و بدون هر گونه تبعیض از آنجمله تبعیض جنسیتی، با وجود دولت سرکوبگر و حامی سرمایه در ایران بعنوان و اشکال متفاوت، روز ۸ مارس، روز جهانی زنان کارگر را گرامی داشتند.

در تهران اتحاد زنان چپ این روز را با پخش تراکت در محل و خیابانهای مختلف و صحبت با مردم گرامی داشت. برخی از فعالین زنان (فعالین کمپین یک میلیون امضاء) می خواستند با گذاشتن مراسم در یک سالن، ۸ مارس را به شیوه خودشان برگزار کنند که دولتیان از ورود آنان به سالن جلوگیری نمودند. گروهی دیگر از زنان این روز را در پارک ها برگزار نمودند. ولی در کردستان، روز ۸ مارس، با جود اینکه رژیم تمام کوشش خود را به کار برده بود تا از برگزاری مراسم های ۸ مارس جلوگیری کند، در بسیاری از شهرها گرامی داشته شد. از اعمالی که دولت سرمایه ی اسلامی در آستانه ۸ مارس انجام داد، می توان به میلیتاریزه نمودن شهرهای کرد نشین و لغو مرخصی های تمام پرسنل نیروهای مختنقگر و اجرا حکم شنیع و قرون وسطائی شلاق در مورد فعالین کارگری شیوا خیرآبادی، سوسن رازانی، عبدالله خانی و غالب حسینی و زندانی نمودن عبدالله و غالب به جرم شرکت در تظاهرات روز جهانی کارگر، نام برد. البته مأمورین حلقه به گوش سرمایه، در ماه ها و روز های نزدیک به این روز در شهرهای مختلف کشور و بویژه این منطقه با یورشهای شبانه به منازل فعالین

کارگری و... برای ایجاد جو رعب و وحشت چندین فعال کارگری و فعالین دیگر جنبش ها را مانند جنبش زنان و دانشجویی دستگیر کرده بودند.

ما ضمن محکومیت رژیم و تبریک دو باره ۸ مارس به زنان و مردان کارگر و تمامی انسانهای خواهان یک جامعه انسانی، توجه شما را به قطعنامه و گزارشی از شهر سندج و اطلاعیه دانشجویان سوسیالیست جلب می کنیم.

\*\*\*

### گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن!

در سال ۱۸۵۷ در شهر شیکاگو آمریکا زنان کارگر در اعتراض به شرایط غیرانسانی کار، به خیابان آمدند که توسط صاحبان و حامیان سرمایه داری به خاک و خون کشیده شدند، این روزیادآور مبارزات زنان برای شرایط بهتر و برابر است. مراسم بزرگداشت ۸ مارس در شرایطی برگزار می شود که نظام سرمایه داری دچار بحرانی جدید و سراسری شده که منجر به فجایع انسانی، تورم و بیکاری روز افزون گردیده و فقر و فلاکت را برای میلیونها انسان به ارمغان آورده است. زنان همواره قربانیان اصلی ادوار مختلف فجایع نظام طبقاتی بوده و هستند. این فجایع هنوز از طرف فرهنگ پدر و مردسالارانه و احکام ارتجاعی و توسط صاحبان زر و زور و تزویر بر زنان تحمیل می شود و از طریق رسانه ها و کانونهای تبلیغی و با وضع قوانین به اصطلاح مترقی توجیه و تحمیل می گردد. در تقابل با این سیستم، جنبشهای اعتراضی و برابری طلبانه علیه نابرابری اقتصادی که ریشه تمام مشکلات اجتماعی است شکل گرفته و پیوندی ناگسستنی با هم دارند. و با دادن هزینه های تحمیلی از قبیل زندان و شلاق و تبعید و فشار به مقاومت و مبارزه پرداخته و می رود تا پایه و اساس مناسبات عقب مانده را برای همیشه ریشه کن کند. همانا تنها راه

رهایی، اتحاد طبقاتی و نابودی سیستم سرمایه داری می باشد. ما برگزارکنندگان ۸ مارس ۲۰۰۹ سندج ضمن گرامیداشت جانفشانیها و مبارزات برابری طلبانه و تلاش برای همبستگی جنبش زنان با جنبش کارگری و دانشجویی و سایر جنبشهای اعتراضی و برابری طلبانه، مطالبات خود را به شرح زیر اعلام می داریم:

۱. ما خواستار حقوق انسانی برابر و دور از استثمار برای تمام زنان و مردان در عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و ... هستیم.
۲. هرگونه قوانین جنسیت محور و زن ستیزانه که زنان را از دستیابی به حقوق انسانی خویش محروم می کند، باید لغو گردد.
۳. حق ایجاد تشکلهای مستقل، تجمع، اعتراض، اعتصاب و غیره جزو حقوق پایه ای هر انسانی است و باید به رسمیت شناخته شود.
۴. هرگونه بازداشت، تهدید، پرونده سازی و اخراج فعالین جنبشهای زنان، کارگری، دانشجویی، معلمین و سایر فعالین اجتماعی را محکوم نموده و خواهان آزادی بی قید و شرط و فوری دستگیرشدگان هستیم.
۵. بازداشت فعالین کارگری و زنان: پدram نصرالهی، برهان سعیدی، سیدغالب حسینی و عبدالله خانی و شلاق زدن شیوا خیرآبادی و سوسن رازانی صرفا به دلیل شرکت در مراسم اول ماه مه را محکوم و احکام زندان آنان باید لغو گردد.
۶. اعمال هرگونه خشونت علیه زنان اعم از آزارجنسی، تحقیر و برخورد فیزیکی، رفتاری غیر انسانی است و باید جرم محسوب شود.
۷. پدیده زنان و کودکان خیابانی و بی شناسنامه از پیامدهای نظام سرمایه داری است و ما خواهان





سنندج از کلیه فروشنندگان در بازار تاناکورا نهایت سپاس گزاری را دارد. کمیته برگزار کننده 8 مارس 2009 سنندج:

"شورای زنان"

"کمیته هماهنگی برای کمک

به ایجاد تشکل های کارگری"

\*\*\*

## بیانیه دانشجویان سوسیالیست پیرامون ۸ مارس ۲۰۰۹ «

منبع سایت دانشجویان سوسیالیست  
دانشگاههای ایران

تاریخ تمام جوامع طبقاتی تا کنون، تاریخ ستم جنسی سازمان یافته علیه زنان است. ستمی که در نظام سرمایه داری به اوج رسیده و به گونه ای مضاعف و هوشمندانه تر بر زنان اعمال می شود. اگرچه تمام آحاد بشری در نظام سرمایه داری جهانی به بند کشیده شده اند و به طرق گوناگون استثمار می شوند، زنان، به حکم منطق سودمحور سرمایه و در نظام تقسیم کار منحن سرمایه داری، از جهات مختلف و گاه بسیار پیچیده تر از مردان استثمار می شوند و موقعیتشان، تجلی بردگی نوین در نظام سرمایه داریست.

تهاجم و یورش های هر روزه سرمایه داری به طبقه کارگر، که به ویژه در پرتو بحران های اقتصادی متناوب آن شدت و فزونی می گیرد، حداقل زندگی انسانی و بهره مندی از حقوق بدیهی انسانی را از طبقه کارگر می رباید و این نظام و عوامل سرمایه، دائما در



تهدیدی که توسط نیرو های امنیتی در شهر سنندج ایجاد شده بود ، این روز را با شکوه تمام برگزار کردند.

طی روزهای گذشته چند نفر از اعضای شورای زنان و کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری به اداره اطلاعات سنندج احضار و با آنها به شدیدترین وجه ممکن بر خورد و متذکر شده بودند، که باید از برگزاری 8 مارس در سنندج به هر طریق ممکن ممانعت به عمل آید .

با توجه به فضای رعب و وحشت حاکم بر شهر، امروز 19/12/87 در بازار تاناکورای سنندج(واقع در خیابان شهدا) با حضور قابل توجهی از زنان و مردان برای طلب، روز 8 مارس 2009 برگزار گردید.

امروز 9 مارس 2009 ، ساعت 30/4 دقیقه بعد از ظهر، این مراسم ، با برافراشتن پلاکارد هائی با مضمون ، 8 مارس روز جهانی زن گرامی باد ، آزادی فعالین کارگری ویژه زنان از جمله پدram نصرالهی و برهان سعیدی از اعضای شورای زنان و کمیته هماهنگی و آپارتاید جنسی لغو باید گردد، کار برابر در مقابل مزد برابر و... برگزار شد. در ادامه این مراسم قطعنامه کمیته برگزار کننده 8 مارس 2009 سنندج توسط یکی از حاضرین قرائت گردید .در حین برگزاری مراسم ،شیرینی و قطعنامه در سطح وسیعی پخش شد.لازم به ذکر است که این قطعنامه در سطح شهر سنندج هم پخش گردید.

این مراسم ، با شور و هیجان خاص همراه با سر دادن شعار، زنده باد 8 مارس روز جهانی زن به پایان رسید.

در حین برگزاری این مراسم، مامورین لباس شخصی در محل حاضر و شروع به فیلم برداری نموده ، و با ایجاد فضای رعب و وحشت می خواستند پلاکارد ها را جمع نمایند.

کمیته برگزار کننده 8 مارس 2009

برخورداری زنان و کودکان خیابان از زندگی سالم و شایسته انسانی هستیم.

8. کار خانگی ابزاری برای استثمار زنان است که باید به شکل کار اجتماعی درآید. در این شرایط نابرابر، پرداخت حقوق مکفی از جانب دولت را برای زنان خانه دار خواستاریم.

9. قتلهای ناموسی، اعدام، سنگسار و خودسوزی زنان از تبعات شوم فرهنگ عقب مانده و ضد انسانی مردسالاری است که باید لغو گردد.

10-ما جنگ افروزی، مسابقه تسلیحاتی و تحریم های اقتصادی ناشی از بحران سرمایه داری، که بیشترین زیان آن متوجه توده های محروم جامعه مخصوصا زنان و کودکان می شود را محکوم می نمایم.

11-لایحه چند همسری و ازدواج موقت که شکلی از تن فروشی رسمی است باید لغو شود.

12. 8 مارس باید به عنوان روز جهانی زن به رسمیت شناخته شود و در تقویم رسمی به عنوان تعطیل رسمی اعلام گردد.

کمیته برگزار کننده مراسم 8

مارس 2009 سنندج

\*\*\*

## ۸ مارس ، روز جهانی زن در شهر سنندج برگزار شد !

امروز دوشنبه 19/12/87 بنا به فراخوان کمیته برگزار کننده 8 مارس 2009 سنندج، این روز گرامی داشته شد.

امروز جمعی از فعالین کارگری و فعالین زنان و دیگر فعالین عرصه های اجتماعی، با توجه به فضای ارباب و



جنبش زنان قرار بگیرد. همان طور که بر ضرورت تشکل یابی کارگران و نیز تشکل های مستقل دانشجویی و معلمان تاکید می گردد، این خواست مشخص در جنبش زنان نیز، حاکی از بلوغ سیاسی جنبش زنان، و گام بعدی چالش های نظری و سیاسی با گرایش لیبرال که تا کنون جریان داشته خواهد بود. **اتحاد، استراتژی واحد سوسیالیستی و گام نهادن به مبارزه عملی،** اینست رمز پیشروی جنبش رهایی زنان.\*

**گرامی باد 8 مارس، روز مبارزه زنان علیه ستم جنسی و طبقاتی**

**پیش به سوی تشکل های مستقل و توده ای زنان!**

**زنده باد سوسیالیسم!**

دانشجویان سوسیالیست  
دانشگاههای ایران

اسفند 1387

لیبرال ها با ریاکاری هدفمند تبلیغ می کنند، نه با ایزوله کردن جنبش زنان و گسست از دیگر جنبش ها و نه با ادعای غیر سیاسی بودن این جنبش پیش نمی رود، چنان که بزرگترین تجربه فمینیسم لیبرال- کمپین یک میلیون امضا- بی نتیجه بودن و سترونی لیبرالیسم را به خوبی برملا نمود.

بنابراین، رویکرد سوسیالیستی در جنبش زنان، برای مرزبندی قاطع با هرگونه رفرمیسم و پس زدن گرایش لیبرالی که متاسفانه هنوز در جنبش زنان حضور پررنگی دارد، بایستی علاوه بر نقد بی رحمانه لیبرالیسم در جنبش زنان، بر مبنای استراتژی واحد سوسیالیستی وحدت و انسجام بیابد. بدون شک، احقاق حقوق و خواسته های زنان، در گرو توده ای شدن مبارزات آنان و جوش خوردن با مبارزه طبقاتی جاری کارگران میسر خواهد بود. از این رو، **تشکل مستقل زنان**، یک راهکار عملی و استراتژیک است که لزوماً باید در دستور کار همه فعالین سوسیالیست



صدد پس گرفتن اندک دستاوردهای کارگران در طی دهه های متمادی مبارزه طبقاتی شان اند. بدین ترتیب است که زنان کارگر، که بخش اعظمی از جمعیت زنان را در سراسر جهان تشکیل می دهند، از جوانب مختلف و همزمان مورد تعرض سرمایه داری قرار می گیرند، هم ستم جنسی و هم ستم طبقاتی. این مسئله به ویژه در ایران، که تحت حاکمیت سرمایه داری اسلامی است حاد تر هم می شود، چراکه این بار مذهب نیز انواع ستم ها بر زنان را کانالیزه و ایندولوژیزه کرده و آنها را تقویت می نماید.

از این روست که جنبش زنان، اگرچه در بدو امر ماهیتی دموکراتیک می یابد، اما بی قیدوشرط به جنبش طبقه کارگر پیوند می خورد و پیشروی آن در گرو پیشروی مبارزات طبقاتی تحقق می یابد. لیبرالیسم تاریخا و مکررا ثابت کرده است که در پیگیری حقوق انسانی، ولو کف حقوق دموکراتیک انسان ها، ناکافی و ناپیگیر است؛ از این جهت، این وظیفه سوسیالیست هاست که در تمام جنبش ها فعالانه در راستای احقاق حقوق و خواست های انسان ها مبارزه کنند.

جنبش زنان اگرچه مستقل از دیگر جنبش های اجتماعی است، اما بدون شک اولاً جنبشی عمیقاً سیاسی و رادیکال است و در ثانی در پیوند ناگزیر با دیگر جنبش ها با محوریت جنبش طبقه کارگر معنا می یابد. بنابراین، استقلال جنبش زنان، نه آن چنان که

**تماس مستقیم با اتحاد سوسیالیستی کارگری**  
[wsu@home.se](mailto:wsu@home.se)

تلفن:

0046-739-397-143100

**آدرس سایت اتحاد سوسیالیستی کارگری**  
[www.wsu-iran.org](http://www.wsu-iran.org)

**آدرس سایت کارگر امروز**  
[www.workertoday.com](http://www.workertoday.com)

**بارو**  
**گاهنامه اتحاد سوسیالیستی کارگری**  
[editorbaroo@yahoo.se](mailto:editorbaroo@yahoo.se)

**سرمدیر: ایرج آذرین**  
Editor: Iraj Azrin

# Be Pishi!

No : 38

Weekly Paper Of Workers Socialist  
Unity-Iran

www.wsu-iran.org

bebish@hotmail.fr

News - Political

Mar, 2009

## ما اعمال سرکوبگرانه در هفت تپه را به شدت محکوم می کنیم

حدود سه هفته است، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه زیر شدیدترین فشارهای پلیسی، امنیتی قرار دارند. شکست مفتضحانه ی انتخابات فرمایشی شورای اسلامی کار در هفت تپه موجب شد تا مدیریت و عوامل امنیتی اطلاعاتی، دست به انتقام جویی از کارگران زده و اعضای هیئت مدیره ی سندیکای هفت تپه را بازداشت کنند. در این رابطه طی سه هفته ی گذشته، بیشترین فشارها نسبت به اعضای هیئت مدیره و خانواده های آنان از قبیل تعقیب اعضای خانواده های این کارگران، تفتیش منازل، تهدید و... اعمال شده است که نسبت به تمام دوران مبارزات کارگران هفت تپه، تاکنون بی سابقه بوده است. اما کارگران در مقابل این سرکوب بی تفاوت نبوده و گفتنی است طی روزهای گذشته حدود سیصد نفر از کارگران با زیر فشار قرار دادن مدیریت به اشکال گوناگون نسبت به این گونه اعمال اعتراض کرده اند. در حال حاضر 7 نفر از دستگیر شدگان اعضای هیئت مدیره به قید کفالت آزاد شده اند، اما دیروز یکشنبه 18 اسفند علی نجاتی رئیس هیئت مدیره ی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه با یورش مأموران امنیتی به منزلش دستگیر شد و تاکنون از وضعیت این فعال کارگری اطلاعی در دست نیست.

شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری  
19/12/1387

www.shorayehamkari@gmail.com

با خود می برند. تا کنون خبر صحیحی از محل زندان و چگونگی بر خورد با او در دست نیست.

## علی نجاتی دستگیر شد



لازم به تذکر است که رژیم حامی کارفرمایان و صاحبان ابزار تولید در این اواخر از وحشت وقوع شورشهای محتمل اجتماعی، سرکوبگری خود را افزایش داده است. ما در این رابطه توجه شما خوانندگان عزیز را به چند مطلب جلب می کنیم \*

طبق گزارش رسیده امروز یکشنبه 18 اسفند ماه 1387 ساعت 11 صبح مأموران امنیتی به منزل مسکونی علی نجاتی رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه یورش برده و وی را با خود بردند. لازم به ذکر است که از وضعیت آقای نجاتی هنوز خبری در دست نیست.

این در حالی است که پیشتر هفت نفر از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت دستگیر شده که همگی آنها با قرار کفالت آزاد شده بودند. گفتنی است که در پی بازداشت نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه، به نظر می رسد که کارگران این شرکت دست به اقداماتی خواهند زد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد  
تشکل های کارگری

18/12/87

[www.komitteyehamahangi.com](http://www.komitteyehamahangi.com)  
[komite.hamahangi@gmail.com](mailto:komite.hamahangi@gmail.com)

همان طوری که اطلاع دارید و ما نیز در شماره قبل به پیش! به اطلاعاتان رساندیم، حامیان سرمایه و سرکوبگران ضد کارگر حاکم بر ایران، در حال انتقام گرفتن از کارگران نیشکر هفت تپه، به جرم دفاع از یک زندگی انسانی برای خود و همطبقه ایهای شان می باشند. اخیراً بعد از رسوائی که در انتخابات فرمایشی شورای اسلامی، با وجود تمام وعده و عید برای شرکت کنندگان و تهدید و به اداره اطلاعات فراخواندن کارگران از بیشتر از 3500 نفر کارگر در این شرکت 60 نفر و آنهم فقط در حدود 30 نفر کارگر شرکت نمودند، آفریده شد، مأمورین سرکوبگر و بیدانگه ها فعالتر گردیده و شروع به دستگیری و محاکمه و صدور حکم زندان و غیره برای کارگران و بویژه اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر نموده اند. در این راستا هفت نفر از اعضای هیئت مدیره را دستگیر و بعد از چند روز نگه داشتن در زندان و شکنجه آنان و با گروه گرفتن زندگی شان بعنوان وثیقه آزاد می شوند. بر طبق اطلاعیه ی خبری کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، در روز 18 اسفند ماه 1387 مأمورین امنیتی با یورش به خانه علی نجاتی رئیس سندیکای کارگران نیشکر هفت او را پس از ضرب و شتم